با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

درد آبادان درد همه مردم ایران است

ریزش ساختمان متروپل که نتیجه رانت‌خواری و بی‌دقتی در عزل و نصب‌ها بوده باعث درگذشت هموطنانی از اهالی آبادان و شهرهای اطراف شد و نه‌تنها اهالی این شهرها که جگر عموم ملت ایران از این حادثه سوخت. اینکه برخی فکر کنند مردم آبادان و داغدیدگان فراموش شدند یا در مورد آنها کوتاهی شده درست نیست چرا که از ثانیه‌های اول حادثه همه مردم لحظه به لحظه اخبار مربوط به این حادثه غمبار را دنبال کرده و برای آرامش درگذشتگان و بازماندگان دعا کرده‌اند.

جلیلیان از یزد

در ایستگاه متروی محمدیه شب‌ها پول نقد می‌گیرند

مدتی است باجه بلیت فروش ایستگاه متروی محمدیه از طرف خیابان خیام واقع در میدان محمدیه از ساعت ۲۰ و ۳۰دقیقه شب به بعد باجه را تعطیل کرده و کارگران با همکاری متصدیان دیگر از مردم پول نقد می‌گیرند. چندین بار با ۱۳۷ و ۱۸۸۸ مشکل را مطرح کرده‌ایم ولی جوابی نگرفته‌ایم. لطفا به این موضوع رسیدگی شود.

خوب‌رو از مسافران هر شب این مسیر

آسفالت ورودی بزرگراه یاسینی نیازمند مرمت است

آسفالت ورودی بزرگراه شهید یاسینی شمال به پل بزرگراه شهید باقری خراب است و منجر به خسارات به‌خودروهای عبوری می‌شود. تقاضا می‌شود این محدوده مرمت فوری شود.

عزیزی از تهران

زمین‌های شهرک وایین تحویل مالکان نشد

۴۲۰نفر هستیم که ۱۶سال قبل زمین‌هایی را در شهرک وایین شهریار خریداری کردیم. زمین‌ها به نام یکی از بزرگ‌ترین زمین‌داران شهریار است که در مقطعی هم عضو شورای شهر بوده است. سندهای ما پس از صدور یک‌بار به دیگران فروخته شده و تاکنون زمینی تحویل ما نشده است. دادگستری می‌گوید بروید شهرداری، شهرداری می‌گوید بروید ثبت و ثبت هم ما را بی‌پاسخ می‌گذارد. مسئولان قوه قضاییه به داد ما برسند.

سیروانی از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

حق‌العمل ناکافی جایگاه‌های سوخت معیشت کارکنان را به خطر انداخته است

جایگاه‌های سوخت در ایران متناسب با تلاش‌های شبانه‌روزی، سرمایه‌گذاری و هزینه‌های خود حق‌العمل دریافت نمی‌کنند و به‌رغم رتبه دوازدهم جهان از نظر میزان توزیع سوخت، به لحاظ سوددهی رتبه صدم را دارا هستند که این وضعیت به‌خصوص در یک دهه اخیر باعث شده این جایگاه‌ها اغلب با زیان و فرسودگی مواجه شوند. برای سرپاماندن جایگاه‌های سوخت و جلوگیری از بیکاری کارکنان یا تغییر کاربری آنها باید حق‌العمل آنها اصلاح شده و از آنها حمایت شود.

رنجبر از تهران

بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی پول فروشندگان کالای پزشکی را نمی‌دهند

خوشبختانه این روزها کرونا در حال زمین گیرشدن است و نزدیک است که نابود شود و کم کم اوضاع در حال عادی‌شدن است ولی بیمارستان‌ها و مراکز بهداشت دانشگاه‌های علوم پزشکی پول کالاهای پزشکی دریافت شده را نمی‌پردازند. تکلیف امثال من که ۱۴ماه قبل کالا داده‌ایم چیست؟ تازه اگر همین امروز پول کالاهای ما را بدهند قادر به خرید مجدد آن نیستیم؛ چرا که قیمت هیچ‌چیزی ثابت نمانده است. هرقدر هم پیگیری و اعتراض می‌کنیم فایده‌ای ندارد. خیلی از من و همکارانم دچار چنین مشکلی هستیم.

پناهی از کرج

جوان‌ها را به گرفتن پول و کمک از خیریه‌ها عادت ندهیم

سالمندی ۹۲ساله و سالم هستم که بیماری خاصی ندارم و فقط به‌دلیل کهنسالی توان انجام امور خانه را ندارم. خیلی اوقات فکر می‌کنم چرا جوان‌ها حاضرند ساعت‌ها در صف گرفتن کمک از بانک و خیریه و... باشند اما حاضر نمی‌شوند برخی کارها مثل مراقبت از سالمند را که در جهان جزو مشاغل پرشمار است انجام دهند. طبیعتا با توجه به سنم نمی‌توانم روزی ۲۵۰هزار تومان بپردازم اما مدت‌هاست دنبال جوانی هستم که با رقمی کمتر امور زندگی یک سالمند را رتق و فتق کند اما همه می‌گویند این کار سخت است، پولش کم است و.... نمی‌دانم چرا جامعه ما به اینجا رسید که حتی در قبال پول کمک نکنند درحالی که قدیم‌ها به سالمندان دلی و از سر مهر کمک می‌کردند.

خانم ۹۲ساله از تهران

پیام @
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

جاده هشتگرد به طالقان همچنان ناایمن است

چندی قبل به هر جایی که در شهرستان طالقان ممکن بود، اطلاع‌رسانی کردیم که پایه‌های حفاظ جاده هشتگرد به طالقان سرقت شده و این موضوع به‌خصوص در نقاطی از جاده که کنار پرتگاه است بسیار خطرساز است. این مسیر با نزدیک‌شدن به فصل تابستان هر روز پرترددتر می‌شود و این نگرانی وجود دارد که نبود حفاظ‌ها جان مسافران خودروها را به خطر بیندازد و چه بسا خودروهایی که به ته دره بروند.

طباطبایی از طالقان

به‌دلیل فروش دو خودروی پراید از یارانه محرومیم

در سیستم تعیین دهک‌ها علت عدم‌پرداخت یارانه به ما ثبت ۲پرایدی قید شده که هر دو فروخته شده‌اند و هر دوی آنها به‌دلیل کسری‌های مالی به زخم زندگی مان نشسته‌اند. همسرم بیمه‌ای ندارد و برای تکمیل سنوات بیمه‌ای با مشقت رقم بیمه اختیاری را به امید بهره‌مندی از حقوق در روزگار بازنشستگی می‌پردازد درحالی که آن رقم را جزو حقوق ثبت کرده‌اند. چرا باید چنین ظلمی بشود و ما از یارانه محروم باشیم.

چلنگر از جاده چالوس

ابتدای بلوار فرهنگ در منطقه ۲ تاریک است

مدتی است روشنایی ابتدای بلوار فرهنگ در مجاورت پل عابر پیاده منطقه ۲سوخته و شب‌ها این محدوده در تاریکی است. از مسئولان اداره برق تقاضای رسیدگی دارم.

علیزاده از تهران

آواربرداری متروپل برای رسیدن به آخرین قربانیان ادامه دارد

۸روز چشم انتظاری

گزارش

ادامه عملیات آواربرداری در متروپل به کشف پیکرهای ۶جانباخته دیگر منجر شد تا شمار قربانیان این حادثه به ۳۵نفر افزایش پیدا کند. اما این پایان کار نیست و هنوز خانواده افراد مفقود شده که تاکنون ۸شبانه‌روز منتظر شنیدن خبر از عزیزان‌شان بودند چشم‌انتظار آنها هستند.

به‌گزارش همشهری، عملیات آواربرداری و جست‌وجوی اجساد مفقودان متروپل سرعت بیشتری گرفته است و مسئولان عملیات امیدوارند تا ۲روز آینده سرنوشت مفقودان این حادثه روشن شده و کشف پیکرها به پایان برسد. هرچند سقف و ستون‌های متروپل یارای خودش را هم نداشت و به سادگی فروریخت اما وجود دیوارهای بتنی در میان آوار، دسترسی اعضای تیم جست‌وجو به محل دفن شدن اجساد را دشوار و کند کرده است. با وجود این آواربرداری بی‌وقفه ادامه دارد.

عزاداری برای جانباختگان

یکشنبه شب همزمان با شب هفتم حادثه متروپل مردم آبادان به‌صورت خودجوش در نزدیکی ویرانه‌های این برج جمع شدند. در این تجمع که همه اقشار مردم حضور داشتند گروهی به رسم آبادانی‌ها شروع به نواختن سنج و دمام کردند. نوای این عزاداری حزن‌انگیز بود و مردم با آن سینه‌زنی می‌کردند و به یاد از دست‌دادگان‌شان اشک می‌ریختند. در این هنگام زنان به یاد جوانانی که در این حادثه قربانی شده‌اند، کل می‌کشیدند و این عزاداری سوزناک‌تر می‌شد.

آواربرداری شبانه

بی‌تابی خانواده‌های مفقودان از یک سو و تلاش برای پایان یافتن ماجرای متروپل از سوی دیگر سبب شده تا عملیات جست‌وجو به‌صورت شبانه‌روزی ادامه پیدا کند. شب‌های آبادان به‌دلیل اینکه نسبت به روز گرمای کمتری دارد برای آواربرداری مناسب‌تر است. درست در لحظاتی که مردم برای عزیزان‌شان مشغول عزاداری بودند اعضای تیم جست‌وجو توانستند پیکرهای ۲نفر دیگر را از لابه‌لای خروارها میلگرد و بتن کشف کنند.

کشف پیکر مهندس ناظر متروپل

یکی از پیکرهای کشف شده در ساعات اولیه بامداد دوشنبه متعلق به دانیال خسروی، مهندس ناظر این برج بود. او که ۳۲سال داشت از مدت‌ها قبل در دفتر نظام مهندسی واقع در این برج با عنوان مهندس ناظر کار می‌کرد و از روزی که برج فروریخت هیچ‌کسی از او خبر نداشت تا اینکه نیمه‌های شب اعضای تیم جست‌وجو موفق شدند پیکر بی‌جان او را کشف کنند. او برای آخرین مرتبه ۱۰دقیقه قبل از ریزش ساختمان با همسرش تلفنی صحبت کرده بود و این تماس آخرین گفت‌وگوی این زن و شوهر بود و پس از حادثه همسر دانیال بارها با او تماس گرفت اما شوهرش دیگر جواب نمی‌داد.

فرجام کار در برج عبدالباقی

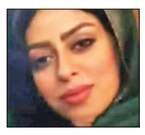

یکی دیگر از افرادی که پیکر او در بامداد دوشنبه کشف شد آمنه امینی بود. او که ۳۰ساله بود از حدود ۳هفته قبل برای کار به‌صورت آزمایشی به برج متروپل رفته بود و در آنجا کار می‌کرد تا اینکه این اتفاق افتاد و خانواده آمنه داغدارش شدند. حاجی‌پور، مسئول مداخله در بحران هلال‌احمر که از نزدیک با خانواده آمنه در تماس است به همشهری می‌گوید: آمنه ۹خواهر و یک برادر داشت و چون مادر بیماری دارد بعد از این حادثه خانواده‌اش به او گفته بودند که آمنه زنده است اما در جایی از ساختمان گرفتار شده و به او آب و غذا می‌رسانند. اما وقتی پیکر او کشف شد خانواده‌اش نمی‌دانستند که این واقعیت تلخ را چطور برای مادرش بازگو کنند و به همین دلیل از تیم روانشناسی هلال احمر درخواست کمک کردند. حاجی‌پور ادامه می‌دهد: حدود ساعت ۲بامداد بود و درحالی‌که مادر آمنه بی‌تابی می‌کرد یکی از روانشناسان ما به خانه‌شان رفت و توانست او را آرام کرده و این خبر تلخ را اطلاع دهد. هرچند کنار آمدن با داغ آمنه برای خانواده‌اش دشوار بود.

پایان چشم انتظاری ملیکا

متروپل، روایت همه آرزوهایی است که زیر خروارها خاک دفن شدند و حسرت‌شان به جا ماند. درست مثل ماجرای ملیکا، دختر دانش‌آموزی که زیر آوار متروپل جان باخت و همه آرزوهایش در آنجا دفن شد. او روز حادثه همراه خواهرش چند دقیقه‌ای زیر سایبان بستنی‌فروشی کنار متروپل منتظر مادرشان بودند که یکباره ساختمان فروریخت و بر سرشان آوار شد. جان‌باختن این دختر یکی از تلخ‌ترین روایت‌های متروپل بود و تصاویر همکلاسی‌های ملیکا در مدرسه که در جای خالی او قاب عکسش را قرار داده بودند در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای داشت. از آن روز خانواده ملیکا چشم‌انتظار جگرگوشه‌شان بودند تا اینکه سرانجام پیکر او کشف شد و پدر این دختر پس از دیدن پیکرش توانست او را شناسایی کند تا یکی از تلخ‌ترین صحنه‌ها در متروپل رقم بخورد.

نفوذ به منفی یک

حجم زیاد آوار و احتمال ریزش بخش‌های دیگری از ساختمان مخروبه سبب شده تا عملیات با احتیاط زیادی پیش برود. شاید به همین دلیل بود که امدادگران در هشتمین روز از وقوع حادثه توانستند به بستنی‌فروشی‌ای که در طبقه همکف متروپل قرار داشت برسند. نکته مهم اینکه حجم و فشار آوار طبقات بالایی سبب شده بود تا پیکرهای صاحب بستنی‌فروشی و ۲پسرش به طبقه منفی یک منتقل شود. اعضای تیم جست‌وجو از صبح دوشنبه عملیات پیچیده‌ای را آغاز کردند و هدف‌شان نفوذ به طبقه منفی یک بود. جایی که فوزی جلیلیان، همراه با ۲پسر جوانش به نام‌های عرفان و آرین و برادرزاده‌اش حمیدرضا جان خود را از دست داده بودند. امدادگران چند روز قبل توانسته بودند پیکر حمیدرضا را بیرون بکشند اما همچنان پیکرهای فوزی و پسرانش زیر آوار مانده بود. کشف پیکرهای آنها از پیچیده و سخت‌ترین بخش‌های این عملیات بود. اعضای تیم جست‌وجو پس از آواربرداری کامل با بیل مکانیکی گودال بزرگی به عمق حدود ۵متر حفر کردند و در ادامه به‌صورت دستی به جست‌وجو ادامه دادند. آنها ابتدا توانستند پیکر فوزی را از زیر آوار بیرون بکشند و در ادامه به عرفان و آرین رسیدند و آنها را نیز پس از کشف به پزشکی قانونی منتقل کردند. نکته‌ای که تلخی این حادثه را دوچندان می‌کرد آن بود که پیکر فوزی و پسرانش در شرایطی کشف شد که او عرفان و آرین را تا لحظه آخر در آغوش گرفته بود و هرکس که در محل حادثه از این ماجرا با خبر می‌شد بی‌اختیار اشک می‌ریخت.

عملیات ادامه دارد

با وجود کشف پیکرهای ۳۵نفر در عملیات آواربرداری اما آنطور که استاندار خوزستان می‌گوید این عملیات تا پایان کشف آخرین فرد مفقودی ادامه خواهد یافت. صادق خلیلیان در این‌باره به همشهری می‌گوید: تا پیدا کردن آخرین فرد مفقود شده به عملیات ادامه می‌دهیم و پیش‌بینی می‌کنیم این ماجرا حداکثر تا ۲روز آینده ادامه پیدا کند. هم‌اکنون امدادگران از ۴جبهه که احتمال وجود افرادی را در آنجا محتمل می‌دانند، مشغول جست‌وجو و آواربرداری هستند. وی درباره دلیل روند کندی عملیات نیز گفت: دلیل متوقف شدن کار ماشین‌آلات این است که نمی‌خواهیم به پیکرهای قربانیان آسیبی وارد شود و همکارانم در مکان‌هایی که احتمال کشف جسد وجود دارد به‌صورت دستی به جست‌وجو ادامه می‌دهند. او در ادامه می‌گوید: ریزش متروپل باعث شده تا روند کاری مغازه‌داران اطراف مختل شود. همچنین افرادی که در این منطقه ساکن بودند نیز دچار مشکل شده‌اند که برای فعالیت مغازه‌داران و اسکان ساکنان منطقه جایی درنظر گرفته شده است.

اینجا طبقه منفی یک است. همان محلی که پیکر آقای جلیلیان، صاحب بستنی فروشی و پسرهایش و ملیکا، دختر نوجوانی که عکس او روی صندلی خالی‌اش در مدرسه دل خیلی‌ها را به درد آورده بود، در آنجا مدفون بود. دیروز پیکر بی‌جان آنها در حالی از زیر آوار بیرون کشیده شد که خانواده‌هایشان در همه این مدت چشم انتظار آنها بودند.

پایان تبهکاری‌های ۲۷۸مجرم پایتخت

طرح برخورد با اشرار پایتخت که از چند روز قبل توسط پلیس فتا و امنیت عمومی تهران در محله‌های مختلف اجرا شده بود با بازداشت ۲۷۸نفر پایان یافت.

به گزارش همشهری، سردار حسین رحیمی رئیس پلیس پایتخت درباره دستاوردهای تازه‌ترین طرح پلیس گفت: همکارانم در حوزه پلیس امنیت عمومی و فتا از چند روز قبل طرح اقتدار را که با رویکرد برخورد با اشرار و مزاحمان نوامیس در محله‌های مختلف تهران است، اجرا کردند و موفق شدند ۲۷۸نفر از اراذل و اوباشی که اقدام به شرارت، تخریب، نزاع و درگیری و در زمینه توزیع مشروبات الکلی و موادمخدر فعالیت می‌کردند را دستگیر کنند. وی با اشاره به اینکه در اجرای این طرح ۲۰قبضه انواع سلاح جنگی و شکاری و ۵۶قبضه سلاح سرد کشف شد، بیان کرد: در این طرح ۱۶۷۰گرم انواع موادمخدر کشف و ۷دستگاه خودرو توقیف شد. به‌گفته رئیس پلیس پایتخت در این طرح یکهزار و ۲۵۳دستگاه خودرو که اقدام به دور دور و ایجاد مزاحمت برای شهروندان می‌کردند، توقیف شد. علاوه بر این ۴۹واحد صنفی که پاتوق و محل تردد اشرار حرفه‌ای بود پلمب شد.

رئیس پلیس پایتخت در ادامه با اشاره به چند پرونده مهم و انهدام باندهای تبهکاری اشاره کرد و گفت: همکاران در این مرحله از طرح اقتدار موفق شدند ۲باند جعل مدرک را منهدم و اعضای این باندها را که ۵نفر بودند، دستگیر کنند. وی ادامه داد: اعضای یک باند دیگر، کلاهبرداران تلفنی بودند که با عنوان برنده شدن در برنامه‌های رادیویی از مردم کلاهبرداری می‌کردند. سردار رحیمی با بیان اینکه ۳نفر از اعضای این گروه دستگیر شدند افزود: این پرونده دارای ۱۰۵شاکی بوده و اعضای این باند حدود ۴میلیارد تومان از طعمه‌های خود کلاهبرداری کرده بودند. سردار رحیمی در ادامه از انهدام باند کلاهبرداری دیگری که طعمه‌هایشان را پای دستگاه خودپرداز می‌کشاندند خبر داد و گفت: ۴نفر از اعضای باند که دارای ۵۰نفر شاکی هستند دستگیر شدند. فرمانده انتظامی تهران گفت: در این طرح ۴نفر که با فروش داروهای تاریخ گذشته و غیرمجاز در فضای مجازی سلامت مردم را به خطر می‌انداختند نیز دستگیر شدند و از آنها یک میلیون و ۲۰۰هزار قلم انواع وسایل آرایشی بهداشتی و دارویی به ارزش تقریبی ۲میلیارد تومان کشف شد.

رئیس پلیس پایتخت با اشاره به دستگیری ۵۲نفر که در زمینه تبلیغ قمار و شرط بندی در فضای مجازی فعالیت می‌کردند، گفت: در این رابطه ۹درگاه بانکی، ۱۱صفحه اینستاگرام و کانال تلگرامی که محل فعالیت این افراد برای انجام قمار و شرط بندی بود، مسدود شد.

سرقت میلیاردی پس از باختن در شرط بندی

دادسرا

همه‌چیز از یک شرط بندی عجیب شروع شد. وقتی جوان معتاد در این شرط‌بندی باخت قرار شد به خانه یک پزشک ثروتمند دستبرد بزند اما این سرقت پایانی جز دستگیری برای او و همدستانش نداشت.

به گزارش همشهری، چند روز قبل زنی میانسال نزد مأموران پلیس رفت و خبر از دستبرد میلیاردی دزدان به خانه‌اش داد. خانم دکتر در توضیح ماجرا گفت: حوالی ظهر راننده شخصی‌ام به‌دنبالم آمد تا برای انجام کارهای اداری به دماوند برویم. من در خانه‌ای ویلایی در شمال پایتخت زندگی می‌کنم و آن روز در خانه را قفل کردم و به همراه راننده از تهران خارج شدم اما غروب که بازگشتم با صحنه عجیبی مواجه شدم. حفاظ در باز بود و وقتی وارد خانه شدم، همه اثاثیه به هم ریخته بود. پس از جست وجو داخل اتاق‌ها متوجه شدم زمانی که من در خانه نبودم دزدان وارد آنجا شده و به راحتی توانسته بودند گاوصندوق را که داخل آن پول، دلار، یورو، درهم و طلا و جواهرات بود خالی کنند. آنها علاوه بر این تمام تابلوها، فرش‌های ارزشمند، مجسمه‌های عتیقه و گران‌قیمت را سرقت کرده بودند که ارزش تمامی اموال سرقت شده حدود ۶میلیارد تومان است. شاکی در ادامه سرنخی مهم را در اختیار پلیس قرار داد و گفت: موضوع عجیبی که فکرم را درگیر کرده این است که در ورودی رمزدار و ضدسرقت است. علاوه بر این قفل‌ها تخریب نشده‌اند و این یعنی فردی با کلید توانسته وارد خانه شده و نقشه سرقت را عملی کند.

با ثبت این شکایت، تیمی از مأموران پلیس آگاهی تهران راهی محل زندگی پزشک تهرانی شدند. در ادامه به بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته پرداختند و متوجه شدند که دزدان ۲ نفر بودند اما صورتشان را با نقاب پوشانده بودند و چهره‌هایشان قابل تشخیص نبود. از سوی دیگر مالباخته به مردی جوان مشکوک بود. همان راننده‌ای که هر وقت کار اداری داشت، وی را به مقصدش می‌رساند و روز حادثه نیز او را به دماوند برده بود. وقتی مأموران روی جوان راننده متمرکز شدند به شواهدی دست یافتند که نشان می‌داد وی در این سرقت میلیاردی نقش داشته و او را بازداشت کردند. مرد جوان اگرچه سعی داشت خودش را بیگناه نشان بدهد اما سرانجام لب به اعتراف گشود و به سرقت از خانه زن میانسال با همدستی ۲ نفر از دوستانش اقرار کرد.

با اعتراف وی، مأموران موفق شدند ۲ سارقی که به خانه خانم دکتر دستبرد زده بودند را دستگیر کنند که در بازرسی از مخفیگاه آنها، بخشی از اموال مسروقه کشف شد. براساس این گزارش، دزدان اقرار کردند که بخشی از اموال مسروقه مانند طلا و ارزها را فروخته‌اند و قرار بود به‌زودی بخش دیگری از اموال مسروقه را بفروشند که دستگیر شدند. در این شرایط هر ۳متهم برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفتند.

مکث

سارقی با مدرک فوق‌لیسانس

مردی که سرقت را با همدستی ۲نفر از دوستانش اجرا کرده است می‌گوید قربانی یک شرط‌بندی عجیب شده است. او که فوق‌لیسانس دارد مدعی است از وقتی گرفتار اعتیادشده به قمار و شرط‌بندی روی آورده و همین شرط‌بندی کار دستش داده است. گفت‌وگو با وی را بخوانید.

چه شد که یک جوان تحصیل‌کرده تبدیل به یک سارق حرفه‌ای شد؟

حرفه‌ای که نمی‌توان گفت. اگر حرفه‌ای بودم که به این سرعت نقشه‌ام لو نمی‌رفت و دستگیر نمی‌شدیم. اتفاقا غیرحرفه‌ای عمل کردم. راستش من در یک شرکت معتبر کار می‌کردم تا اینکه شروع کردم به مصرف موادمخدر. ابتدا تفریحی بود و تصور می‌کردم هرگز معتاد نخواهم شد اما رفته رفته در منجلاب اعتیاد فرو رفتم و هر روز وضعیتم بدتر از روز قبل می‌شد. به‌خودم که آمدم دیدم تبدیل شده‌ام به یک معتاد حرفه‌ای و همین موجب شد تا کارم را از دست بدهم و از شرکت اخراج شوم.

پس از آن بود که نقشه سرقت کشیدی؟

قرار نبود مرتکب خلاف شوم. اما روزگار بازی بدی را با من شروع کرد و انگار همه‌چیز دست به‌دست هم داد تا من هر لحظه در باتلاق فرو بروم. داستانش مفصل است، چند ماه قبل از طریق یکی از دوستانم وارد شرط‌بندی و قمار شدم، اوایل برنده بازی بودم و همین موضوع مرا به ادامه بازی و شرط‌بندی ترغیب می‌کرد اما بدبختی من از روزی شروع شد که وارد پاتوق این افراد شدم. از آن به بعد همیشه بازنده بودم و بخش زیادی از سرمایه‌ام را از دست دادم. به جز یک خودرو، دیگر چیزی برایم باقی نمانده بود تا اینکه از دوستانم خواستم برایم کاری دست و پا کنند. یکی از آشنایانم، زن میانسالی را به من معرفی کرد. همان زنی که به خانه‌اش دستبرد زده‌ایم. او زنی بود که تنها زندگی می‌کرد و ثروت زیادی داشت. آنطور که دوستم می‌گفت او به‌دنبال شخصی مطمئن و قابل اعتماد می‌گشت تا کارهای شخصی‌اش را انجام بدهد. برای مصاحبه نزد او رفتم و زن میانسال استخدامم کرد. هم راننده شخصی او بودم و هم کارهای اداری او را انجام می‌دادم. هر وقت به پاتوق می‌رفتم از وضعیت زندگی او و املاک زیادی که داشت می‌گفتم تا اینکه یک روز یکی از دوستانم با من شرط عجیبی بست. شرطی که اگر می‌باختم باید به خانه این زن دستبرد می‌زدم. از بخت بدم شرط را باختم و چون حرف زده و باید پایش می‌ایستادم ناچار بودم سرقت را اجرا کنم.

از روز حادثه بگو؟ چطور نقشه را اجرا کردی؟

با ۲نفر از دوستانم نقشه را اجرا کردم. قرار شد من زن میانسال را از خانه‌اش بیرون بکشم و سرش را گرم کنم تا دوستانم به خانه وی دستبرد بزنند. البته برای اجرای این نقشه از چند روز قبل برنامه‌ریزی‌هایمان را کرده بودیم. ابتدا دسته کلید خانم دکتر را سرقت کردم و از روی آن کلید یدک تهیه کردم. روز حادثه نیز دنبالش رفتم و او را به دماوند بردم تا همدستانم وارد خانه وی شده و سرقت را اجرا کنند. آنها هم از تمام وقایع سرقت فیلم گرفته بودند تا به کسی که شرط را برده بود ثابت کنم که سرقت را انجام داده‌ام.

اگر ماجرا فقط شرط‌بندی بود پس چرا همه اموال ارزشمند خانه مالباخته را سرقت کردید؟

خب از اول نقشه همین بود. شرطمان سرقت همه اموال بود.

فکر نکردی مظنون نفر اول و اصلی خودت باشی؟

نه اگر فکر می‌کردم که نقشه سرقت را عملی نمی‌کردم. زن میانسال خیلی به من اعتماد داشت و اصلا گمان نمی‌کردم به من مشکوک شود و نام مرا نزد پلیس ببرد. حالا که ماجرا لو رفته خیلی پشیمانم که اینچنین با آبرویم بازی کردم.

کوتاه از حادثه

شهادت سرباز در فرار قاچاقچیان

فرار قاچاقچیان با ایجاد تونل دود در خراسان رضوی، باعث واژگونی خودروی پلیس و شهادت سرباز جوان شد. به‌گزارش همشهری، این حادثه روز یکشنبه در شهرستان قائنات استان خراسان رضوی رخ داد. آن روز مأموران پلیس در راستای مبارزه با قاچاقچیان سرگرم گشتزنی در محور کاخک به قائن بودند که به یک خودروی سواری مشکوک شدند. آنها که برای بررسی موضوع به راننده دستور ایست داده بودند اما این مرد به محض مشاهده خودروی پلیس به سرعتِ ماشین افزود و اقدام به فرار کرد. مأموران شروع به تعقیب خودروی مرموز کردند تا اینکه لحظاتی بعد اتفاق عجیبی رخ داد؛ اتفاقی که عمدتا از سوی قاچاقچیان برای فرار از دست پلیس رخ می‌دهد. ماجرا از این قرار است که قاچاقچیان خودروی خود را به‌گونه‌ای طراحی می‌کنند که هنگام تعقیب و گریز و فرار از دست پلیس، با استفاده از مواد دودزا، تونلی از دود پشت سر ماشین به‌وجود می‌آورد تا مأموران پلیس که در تعقیب آنها هستند نتوانند به عملیات تعقیب ادامه دهند. روز یکشنبه، قاچاقچیانی که در حال فرار از دست مأموران پلیس قائنات بودند نیز با استفاده از همین شگرد، تونلی از دود ایجاد کردند و همین باعث شد که خودروی انتظامی واژگون شده و یکی از مأموران پلیس به‌همراه سرباز علی شبانی، مجروح و دچار آسیب‌دیدگی شوند. آنها در ادامه برای درمان به بیمارستان انتقال یافتند اما متأسفانه با وجود تلاش تیم پزشکی سرباز علی شبانی به‌علت شدت جراحات وارده به درجه رفیع شهادت نایل آمد. به‌دنبال این حادثه دستورات ویژه برای شناسایی و دستگیری عاملان این اقدام شرورانه صادر شده و بررسی سرنخ‌های به‌دست‌آمده برای دستگیری قاچاقچیان فراری ادامه دارد.

مرگ غم‌انگیز پسر ۴ساله در ماشین

درحادثه‌ای تلخ پسربچه ۴ساله که سرش را از پنجره ماشین پدرش بیرون برده و به‌دلیل سهل‌انگاری پدر و خفگی جانش را از دست داد. به گزارش همشهری، روز شنبه هفتم خرداد ماه گزارش مرگ پسربچه ۴ساله‌ای داخل یک خودروی پژو پارس به بازپرس ویژه قتل تهران گزارش شد. حادثه در یکی از خیابان‌های شرق تهران رخ داده بود و تحقیقات نشان می‌داد که پسر بچه سوار بر ماشین پژوی پدرش شده تا برای خرید به فروشگاهی در شرق تهران بروند. پس از آنکه پدر به مقابل فروشگاه رسید توقف کرد و بعد از خاموش کردن ماشین، پیاده شد و به سمت فروشگاه حرکت کرد. درحالی که پسرش سر خود را از پنجره بیرون آورده و در حال تماشای اطراف بود، پدر ریموت ماشین را زد تا درهای خودرو قفل شود. همین اتفاق باعث شد که شیشه‌ها بالا بروند و با فشار آوردن به گردن کودک، باعث مرگ تلخ او شوند. این حادثه در شرایطی رخ داده بود که پدر کودک متوجه درخواست کمک‌خواهی فرزندش نشده بود. با دستور بازپرس ویژه قتل، جسد این کودک به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

سقوط اسرارآمیز از طبقه هشتم خوابگاه دانشجویی

سقوط دانشجوی ۲۰ساله از طبقه هشتم خوابگاه دانشجویی، تیم جنایی پایتخت را در برابر یک معما قرار داده است.

به گزارش همشهری، شامگاه یکشنبه هشتم خرداد گزارش مرگ اسرارآمیز پسری جوان به قاضی محمد حسین زارعی، کشیک جنایی پایتخت اعلام شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که پسری ۲۰ساله از طبقه هشتم خوابگاه دانشجویی در خیابان ولیعصر که مربوط به دانشگاه امیرکبیر بوده به پایین سقوط کرده و جان باخته است. در ادامه تحقیقات مشخص شد که متوفی دانشجوی رشته ریاضی و اهل یکی از شهرستان‌ها بود. آنطور که دوستان وی می‌گفتند، قربانی شب حادثه برای هواخوری به مقابل پنجره راهرو رفته و روی آن نشسته بود و حتی یکی از دانشجویان به او گوشزد کرده بود که کارش خطرناک است اما وی توجهی نکرده بود. پس از آن نیز ناگهان به پایین سقوط کرده و جان باخته بود. با این اطلاعات جسد متوفی به پزشکی قانونی انتقال یافت و تحقیقات در این پرونده ادامه دارد.

قتل ۲مرد بر سر اختلاف شخصی

مرد مسلح که بر سر اختلافات شخصی ۲سرنشین یک خودروی پژو را در شهر محمدیه قزوین به ضرب گلوله به قتل رسانده است تحت‌تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش همشهری، این حادثه عصر یکشنبه گذشته در کمربندی شرقی شهر محمدیه رخ داد. از لحظاتی قبل از حادثه یک خودروی پژو ۴۰۵ با ۲سرنشین مقابل یک مغازه مکانیکی پارک کرده بود که ۲مرد سوار بر موتور، به آن نزدیک شدند. یکی از موتورسواران از موتور پیاده شد و به‌طرف خودروی پژو رفت. او بی‌آنکه سرنشینان ماشین پیاده شوند شروع به مشاجره لفظی با آنها کرد و در همین هنگام سلاحی از زیر پیراهنش بیرون کشید و شروع به تیراندازی کرد. هدف نخست او راننده پژو بود که در همان لحظات اولیه به ضرب گلوله به قتل رسید. سرنشین دیگر پژو با دیدن این صحنه از ماشین پیاده شد و قصد فرار داشت اما مرد مسلح ابتدا گلوله‌ای به پای او و سپس گلوله‌ای به سر وی شلیک کرد و او را نیز به قتل رساند. او سپس به سمت موتورسیکلتی رفت که همدستش پشت فرمان آن نشسته بود و سوار موتور شد و هر دو متواری شدند.

شاهدان حادثه که با دیدن این جنایت به وحشت افتاده بودند پلیس را خبر کردند اما مأموران وقتی به آنجا رسیدند که اثری از عامل جنایت و همدستش نبود. به‌گفته مصطفی کرمی‌راد، دادستان عمومی و انقلاب شهر محمدیه، با اعلام وقوع این جنایت سریعا مسئولان قضایی و مأموران پلیس در محل وقوع جرم حاضر شده و در بررسی صحنه جرم و خودروی مقتولان یک قبضه سلاح گرم و یک اسلحه قلابی از نوع پلاستیکی کشف شد. وی افزود: براساس اطلاعات به‌دست آمده در تحقیقات اولیه مشخص شده که انگیزه این جنایت، خصومت و عداوت شخصی بوده و شناسایی قاتلان به‌صورت ویژه در دستور کار مقامات قضایی و کارآگاهان پلیس قرار دارد و تمامی دستورات قضایی لازم نیز در این رابطه صادر شده است.